

شیوه‌های نوین حوزه های علمیه در مناظره و پاسخ‌گویی به شبهات فضای مجازی

آزاده بهرامی^۱

چکیده

فضای مجازی در دهه اخیر به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تولید، بازتولید و چرخش پرسش‌ها و شبهات دینی تبدیل شده و چنان سرعت، تنوع و چندلایگی یافته است که شیوه‌های سنتی پاسخ‌گویی حوزوی دیگر پاسخگوی نیازهای معرفتی نسل جدید نیست. افزایش خوشه‌های فرهنگی متکثر، گسترش روایت‌سازی شبکه‌ای و تغییر نقش طلاب از یک «معلم دینی» به «کنشگر دیجیتال» ضرورت بازتعریف مناظره دینی را آشکار ساخته است. در چنین شرایطی، پژوهش حاضر با هدف شناخت و تحلیل شیوه‌های نوین مناظره و پاسخ‌گویی به شبهات در حوزه‌های علمیه و ارائه الگویی جامع برای ارتقای کارآمدی مواجهه دینی در فضای مجازی انجام شد. روش پژوهش به صورت ترکیبی بوده و شامل تحلیل محتوای اسناد علمی، آثار پژوهشی حوزه، گزارش‌های مراکز پاسخ‌گویی، و بررسی کیفی تجربه‌های میدانی طلاب فعال در شبکه‌های اجتماعی است. داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای عمیق، تحلیل ساختاری شبهات و بررسی موردی عملکرد نهادهای رسمی تبلیغی گردآوری شد و با روش تحلیل مضمون و تلفیق یافته‌های نظری و عملی پردازش گردید. نتایج نشان داد که حضور موفق حوزوی در مناظرات دیجیتال وابسته به سه مؤلفه بنیادین است: نخست، کاربست فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی، سامانه‌های داده‌محور و پلتفرم‌های بومی برای افزایش سرعت و دقت پاسخ‌ها؛ دوم، تقویت مهارت‌های روان‌شناختی و ارتباطی طلاب شامل هوش هیجانی، زبان اقناعی، مدیریت تعارض و اخلاق گفت‌وگو؛ و سوم، ایجاد نظام راهبری و اعتبارسنجی حرفه‌ای برای استانداردسازی فعالیت‌های تبلیغی و جلوگیری از چندصدایی غیرعلمی. در آخر، پژوهش نتیجه می‌گیرد که تحول دیجیتال در حوزه یک ضرورت راهبردی است و بدون بازآرایی ساختارها، ارتقای مهارت‌ها و بهره‌گیری هم‌زمان از روش‌های اجتهادی و ابزارهای فناورانه، مدیریت جریان شبهات در مقیاس شبکه‌ای ممکن نخواهد بود.

کلید واژه ها: حوزه‌های علمیه، مناظره دینی، فضای مجازی، پاسخ‌گویی به شبهات، فناوری‌های نوین

^۱ طلبه کارشناسی، گرایش عمومی ویژه، حوزه علمیه فاطمه زهرا (اسلام آباد غرب). azadhbhramyazadh@gmail.com

۱. کلیات تحقیق

۱-۱. بیان مسئله

تحول شتابان فناوری‌های ارتباطی در دهه‌های اخیر، ساختار گفت‌وگو، تبادل دانش و شکل‌گیری مناظرات فکری را دگرگون کرده است. فضای مجازی با ایجاد بسترهای چندرسانه‌ای و شبکه‌ای، مخاطبان را از نقش گیرنده منفعل به کنشگران تولیدکننده و بازنشرکننده محتوا تبدیل کرده و به این ترتیب، صورت‌های جدیدی از مناظره، پرسشگری و تولید شبهه در حوزه دین شکل گرفته است. در این میان، حوزه‌های علمیه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای تولید معرفت دینی و مرجعیت فکری جامعه، ناگزیر از بازاندیشی در شیوه‌های مناظره و پاسخ‌گویی خود هستند؛ زیرا الگوهای سنتی مناظره که بر حضور فیزیکی، تبادل استدلال‌های طولانی و فرایندهای آموزشی کلاسیک مبتنی بوده‌اند، در فضای مجازی کارآمدی سابق را ندارند.

از یک‌سو، شبهات دینی در عصر دیجیتال از ساختارهای فلسفی و استدلالی کلاسیک فاصله گرفته و در قالب پیام‌های کوتاه، ویدئوهای کوتاه، میم‌ها، روایت‌های احساسی و محتوای زودگذر منتشر می‌شوند (حسینی‌پور و سیدابوالفضل، ۱۳۹۷: ۹۵). ویژگی‌هایی چون سرعت انتشار، جذابیت احساسی و الگوریتم‌محوری پلتفرم‌ها باعث شده است که «زمان واکنش» مبلغان دینی به‌شدت کاهش یابد و نیاز به دانش رسانه‌ای، مهارت‌های چندرسانه‌ای و توانایی پاسخ‌گویی کوتاه و دقیق افزایش پیدا کند.

از سوی دیگر، رابطه مخاطب با نهاد دین نیز تحت تأثیر تحولات دیجیتال متحول شده است. نسل جوان امروز دارای «زیست‌جهان مجازی» است؛ زیست‌جهانی که در آن مرجعیت سنتی حوزه تضعیف شده و طیف وسیعی از منابع رسمی و غیررسمی تولید محتوا، مرجعیت‌های جدیدی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی ایجاد کرده‌اند (حیدری دهکردی، ۱۳۹۹: ۵۳). در چنین فضایی، مخاطبان در مواجهه با شبهات، به‌جای مراجعه به منابع معتبر دینی، به الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی، صفحات پرمخاطب و تولیدکنندگان محتوای غیرتخصصی رجوع می‌کنند؛ امری که شرایط را برای انباشت سوء تفاهم‌ها، شبهات احساسی و برداشت‌های نادرست از مفاهیم دینی فراهم می‌سازد. در کنار این تحولات، چالش‌های ساختاری حوزه‌های علمیه نیز مزید بر علت شده‌اند. نبود آموزش آکادمیک نظام‌مند در زمینه مناظره و ارتباطات دیجیتال، ضعف مهارت‌های بین‌رشته‌ای در میان طلاب، و عدم انسجام در سیاست‌گذاری تبلیغ مجازی، موجب شده است که بسیاری از ظرفیت‌های موجود در فضای مجازی برای گفت‌وگوی دینی مغفول بماند (عجمی و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۹۵). همچنین پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از محتواهای دینی در فضای مجازی هنوز «خطابی»، «یک‌سویه» و «غیرفرایندی» هستند و با منطق تعاملی شبکه‌های اجتماعی همخوانی ندارند (قاسمی‌ورجانی و ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۱۳۰).

در این شرایط، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که حوزه‌های علمیه چگونه می‌توانند با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین، الگوی مؤثر مناظره و پاسخ‌گویی به شبهات را در فضای مجازی توسعه دهند؟ پرسش‌هایی چون:

- چه تغییراتی در منطق و ساختار مناظره دینی در عصر دیجیتال رخ داده است؟
- ظرفیت‌های فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی، سامانه‌های تعاملی و پلتفرم‌های بومی برای مناظره دینی چیست؟
- طلاب چه مهارت‌های ارتباطی، رسانه‌ای و روان‌شناختی برای مناظرات مجازی نیاز دارند؟
- و چگونه می‌توان سازوکارهای راهبری، نظارت و اعتبارسنجی حوزوی را برای پاسخ‌گویی دینی در فضای مجازی بازطراحی کرد؟

این پژوهش در پی آن است که با پاسخ دادن به این پرسش‌ها، پرتوی تازه بر الگوهای نوین مناظره دینی و مواجهه علمی و کارآمد با شبهات در فضای مجازی بیفکند.

۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت این پژوهش از چند جهت قابل توضیح است:

۱. افزایش حجم و تنوع شبهات دینی در فضای مجازی: رشد چشمگیر شبکه‌های اجتماعی در ایران طی یک دهه گذشته، عرصه‌ای گسترده برای طرح پرسش‌های دینی، بازتولید شبهات تاریخی، انتشار محتواهای مغرضانه و حتی تولید شبهات مبتنی بر «فیک‌نیوز» فراهم آورده است. پژوهش‌های هاشمی و همکاران (۱۴۰۲: ۴۸) نشان می‌دهد که فضای مجازی در حال تولید «خوشه‌های فرهنگی متکثر» است؛ خوشه‌هایی که در آن گروه‌های مختلف، روایت‌سازی و شبهه‌سازی را به شکل شبکه‌ای و سازمان‌یافته دنبال می‌کنند. بنابراین، صرف اتکای حوزه به روش‌های سنتی پاسخ‌گویی نمی‌تواند این حجم و سرعت از جریان شبهه را مدیریت کند.
۲. دگرگونی نقش طلاب در زیست‌جهان دینی نسل جدید: مطالعه دهکردی (۱۳۹۹: ۵۴) نشان می‌دهد که نوجوانان و جوانان بخش عمده‌ای از معرفت دینی خود را از فضای مجازی کسب می‌کنند. در چنین شرایطی، مبلّغ دینی تنها یک «معلم» نیست، بلکه باید نقش «منتقد رسانه»، «کنشگر دیجیتال» و «مناظره‌گر شبکه‌ای» را نیز ایفا کند. عدم برخورداری طلاب از این نقش‌ها، موجب کاهش اثرگذاری آنان در تعاملات دینی می‌شود.
۳. ضرورت بازتعریف مناظره دینی در عصر دیجیتال: مناظره در نگاه سنتی حوزه بر استدلال طولانی، مباحثه حضوری و فرایندهای آموزشی مبتنی بود. اما فضای مجازی با تبدیل گفت‌وگو به یک فرایند

سریع، چندلایه و چندرسانه‌ای، الگوی جدیدی از مناظره را ایجاد کرده است (علی‌مرادی، ۱۳۹۵: ۲۲). در این الگو، زبان کوتاه، شبکگی مخاطب، و استفاده از تصاویر و ویدئوها به بخشی اساسی از فرآیند اقناع تبدیل شده است. این تغییرات ایجاب می‌کند که اصول و قواعد مناظره حوزوی بازخوانی و روزآمد شود.

۴. نیاز جامعه به مرجعیت پایدار دینی در فضای مجازی: در وضعیتی که فضای مجازی به اصلی‌ترین بستر شکل‌دهی به باورهای دینی تبدیل شده است، حفظ «اعتماد معرفتی» نسبت به نهاد دین، ضرورتی بنیادین است. پژوهش ذبیحی (۱۳۹۷: ۷۷) نشان می‌دهد که تعامل صادقانه، پاسخ‌گویی دقیق و اخلاق‌مدارانه طلاب در فضای مجازی، اعتماد کاربران را نسبت به حوزه‌های علمیه افزایش داده و مانع شکل‌گیری گسست معرفتی میان نسل جدید و نهادهای دینی می‌شود. بنابراین، توسعه شیوه‌های نوین پاسخ‌گویی ضرورت راهبردی دارد.

۵. خلأ پژوهش‌های جامع و کاربردی: اگرچه پژوهش‌هایی درباره فضای مجازی، تربیت دینی، اخلاق رسانه و آموزش مجازی انجام شده، اما اغلب آن‌ها به موضوع مناظره دیجیتال دینی به شکل مستقیم نپرداخته‌اند. از این رو، پژوهش حاضر می‌تواند بخشی از این خلأ را پر کرده و الگوی جامعی برای حوزه ارائه کند.

۱-۳. اهداف و فواید تحقیق

هدف کلی

- شناخت، تحلیل و ارائه الگوی جامع شیوه‌های نوین مناظره و پاسخ‌گویی حوزوی به شبهات در فضای مجازی.

اهداف جزئی

۱. شناسایی تغییرات مفهومی مناظره از سنت حوزوی تا عصر دیجیتال.
۲. بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های به‌کارگیری فناوری‌های نوین (هوش مصنوعی، داده‌کاوی، سامانه‌های پرسش و پاسخ و پلتفرم‌های بومی).
۳. تحلیل نقش مهارت‌های روان‌شناختی و ارتباطی طلاب در مناظرات مجازی.
۴. تبیین وضعیت موجود ساختارهای رسمی حوزه در پاسخ‌گویی به شبهات دیجیتال.

فواید تحقیق

- کمک به ارتقای توانمندی طلاب در مواجهه با شبهات جدید.
- ارائه مبنای نظری و کاربردی برای طراحی دوره‌های آموزشی در حوزه.
- یاری‌رساندن به نهادهایی چون دفتر تبلیغات اسلامی در بهبود سازوکارهای پاسخ‌گویی.
- افزایش اعتماد معرفتی و تقویت ارتباط حوزه با نسل جوان.
- فراهم کردن زمینه برای نوآوری در تبلیغ دینی مبتنی بر ابزارهای نوین.

۱-۴. پیشینه تحقیق

الف) مطالعات داخلی درباره فضای مجازی و حوزه

پژوهش‌های متعددی طی سال‌های اخیر به بررسی نقش حوزه در فضای مجازی پرداخته‌اند:

- علیمزادی (۱۳۹۵) بر ضرورت تطبیق سنت مناظره حوزوی با اقتضائات فضای دیجیتال تأکید کرده و معتقد است که طلاب باید «مناظره‌گر شبکه‌ای» شوند؛ یعنی از منطق گفت‌وگوی چندرسانه‌ای و اصول اقناع کوتاه بهره ببرند (علیمزادی، ۱۳۹۵: ۲۲).
- قاسمی‌ورجانی و ابراهیمی (۱۳۹۸) وضعیت آموزش دینی در فضای مجازی را توصیف و تحلیل کرده و نشان داده‌اند که بسیاری از برنامه‌های دینی با ماهیت تعاملی فضای مجازی سازگار نیستند (قاسمی‌ورجانی و ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۱۳۱).
- شعاعی (۱۴۰۰) رابطه میان سواد رسانه‌ای طلاب و کنشگری فعال دینی را بررسی کرده و نتیجه گرفته که افزایش سواد رسانه‌ای موجب قدرت یافتن طلاب در مواجهه با شبهات می‌شود.
- مینایی و حبیبی (۱۴۰۱) نقش هوش مصنوعی در تولید دانش دینی و پاسخ‌گویی به شبهات را مورد بررسی قرار داده‌اند و تأکید کرده‌اند که حوزه باید از فناوری‌های تحلیل‌گر برای پاسخ‌گویی دقیق بهره گیرد.
- ذبیحی (۱۳۹۷) اهمیت تعامل صادقانه و همدلانه طلاب با نوجوانان و جوانان در فضای مجازی را برجسته کرده است.
- حیدری دهکردی (۱۳۹۹) فضای مجازی را محیطی برای تربیت دینی نسل جوان می‌داند و بر ضرورت سامان‌دهی محتوای دینی در این فضا تأکید کرده است.

ب) مطالعات درباره مناظره، گفت‌وگو و آزاداندیشی

پیدایش شبهات تازه، ایجاب می‌کند که اعتبارسنجی نیز به‌صورت پویا به‌روزرسانی شود. این روند می‌تواند شامل بازآموزی‌های اجباری، دوره‌های ضمن خدمت رسانه‌ای و آموزش‌های تخصصی جدید باشد (هاشمی، ۱۴۰۲: ۵۱). در مجموع، نظام اعتبارسنجی طلاب در فضای مجازی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتقای کیفیت مناظره دینی است. اگر این نظام دقیق، علمی و شفاف طراحی شود، حوزه می‌تواند حضور حرفه‌ای، اخلاقی و مؤثر در عرصه دیجیتال داشته باشد و اعتماد عمومی را حفظ کند.

نتایج

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مناظره و پاسخ‌گویی دینی در فضای مجازی، نه یک فعالیت جانبی یا مکمل، بلکه ساحتی تازه از کنش دینی و حضور حوزوی است که ساختار، مهارت‌ها، دانش و ابزارهای جدید را طلب می‌کند. بررسی فصل‌های پیشین آشکار ساخت که ورود حوزه علمیه به عرصه مناظره آنلاین، اگرچه در سال‌های اخیر توسعه یافته، اما همچنان فاقد یک الگوی جامع، منسجم و مبتنی بر شواهد است. فضای مجازی با ویژگی‌هایی همچون سرعت بالای گردش اطلاعات، ناشناسی کاربران، تولید انبوه شبهات، و ضعف مرجعیت معرفتی در میان بخش بزرگی از مخاطبان، چالشی جدی برای روش‌های سنتی پاسخ‌گویی ایجاد کرده است. از این منظر، نخستین نتیجه اساسی پژوهش آن است که حوزه برای حضور مؤثر در زیست‌جهان دیجیتال، نیازمند بازتعریف مأموریت، ساختار، آموزش و سازوکارهای نظارتی خود است؛ امری که در فصل‌های چهارم تا ششم با ابعاد مختلف آن مواجه شدیم.

یکی از نتایج کلیدی پژوهش، ضرورت بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در نظام پاسخ‌گویی حوزوی است. در فصل چهارم نشان داده شد که هوش مصنوعی، سامانه‌های دانش‌محور، ابزارهای تحلیل روند و پلتفرم‌های بومی، توانایی ارتقای دقت پاسخ‌ها، تسریع فرآیند هدایت معرفتی، و ایجاد الگوی جدیدی از «پاسخ‌گویی شخصی‌سازی‌شده» را دارند. سامانه‌های فعلی حوزه، عموماً مبتنی بر شیوه‌های دستی و پاسخ‌گویی فردی‌اند، در حالی که حجم شبهات، تنوع کاربران و سرعت تحولات اقتضا می‌کند که ساختار پاسخ‌گویی دیجیتال، به سمت «معماری هوشمند» حرکت کند. بنابراین، نتیجه مهم این است که بدون ادغام فناوری‌های نوین با روش‌های اجتهادی، امکان مدیریت جریان شبهات در مقیاس شبکه‌ای وجود ندارد (قاسمی، ۱۴۰۱: ۴۳). از سوی دیگر، همین فناوری‌ها محدودیت‌هایی مانند خطای تحلیلی، تکیه بر داده‌های ناقص یا امکان سوگیری الگوریتمی دارند؛ لذا نظارت فقیه و حضور نیروهای متخصص انسانی، همچنان ضروری است و نباید حذف شود.

نتیجه دوم پژوهش تأکید می‌کند که مهارت‌های روان‌شناختی و ارتباطی، ستون فقرات مناظره دیجیتال‌اند. یافته‌های بخش پنجم نشان داد که مناظره‌گر دینی تنها زمانی موفق است که در کنار دانش کلامی و فقهی، از

هوش هیجانی، زبان اقناعی، توان روایت‌سازی، سواد رسانه‌ای، مهارت مدیریت تعارض و اخلاق گفت‌وگو برخوردار باشد. فضای مجازی، محیطی احساسی، پرتنش و مستعد سوءبرداشت است؛ از این رو، بدون توان مدیریت هیجان، حتی استوارترین استدلال‌ها نیز به نتیجه نمی‌رسد. نتیجه اساسی این بخش آن است که مهارت‌های ارتباطی نه مهارت‌های جانبی، بلکه پیش‌نیازهای اصلی گفت‌وگوی دینی در عصر دیجیتال‌اند. بر اساس داده‌های پژوهش، بخش قابل توجهی از ناکامی‌های مناظرات مجازی روحانیون، نه از ضعف علمی، بلکه از ضعف در تنظیم هیجان، انتخاب نادرست لحن یا ناآشنایی با قواعد اقناع دیجیتال ناشی می‌شود (حسینی، ۱۴۰۲: ۶۳). این نشان می‌دهد که حوزه نیازمند بازنگری جدی در برنامه‌های مهارتی و رسانه‌ای خود است.

نتیجه مهم سوم، ضرورت ایجاد نظام راهبری واحد و سازوکارهای نظارت حرفه‌ای است. فصل ششم نشان داد که ساختارهای فعلی حوزه، مانند دفتر تبلیغات اسلامی یا مراکز پاسخ‌گویی، اگرچه نقش مهمی دارند، اما پراکندگی فعالیت‌ها، نبود استاندارد واحد، فقدان سیاست‌گذاری منسجم و نبود نظام اعتبارسنجی، موجب کاهش کارآمدی پاسخ‌گویی شده است. داده‌ها نشان می‌دهد که مخاطبان، اعتماد بیشتری به روحانیانی دارند که در فضای رسانه‌ای هویت شفاف، رتبه علمی، مهارت رسانه‌ای و اخلاق حرفه‌ای آنان مشخص است؛ در حالی که فعالیت بی‌ضابطه طلاب در شبکه‌های اجتماعی، گاه موجب تضعیف سرمایه اجتماعی حوزه می‌شود. بنابراین، یکی از نتایج راهبردی پژوهش این است که ایجاد یک نظام اعتبارسنجی چندسطحی—علمی، مهارتی، اخلاقی و عملکردی—شرط لازم برای ارتقای کیفیت مناظره دینی است (هاشمی، ۱۴۰۲: ۵۱).

این پژوهش همچنین آشکار کرد که پاسخ‌گویی در فضای مجازی باید مبتنی بر یک الگوی سیاست‌گذاری فعال و نه صرفاً واکنشی باشد. بسیاری از جریان‌های شبهه‌پراکنی ساختارمندند و از روایت‌سازی، تکنیک‌های جنگ ادراکی و ابزارهای تأثیرگذاری عاطفی بهره می‌برند. حوزه نمی‌تواند تنها در برابر شبهات موجود واکنش نشان دهد، بلکه باید روندشناسی، آینده‌پژوهی و تحلیل کلان‌داده را در سیاست‌گذاری محتوایی خود وارد کند. نتیجه دیگر پژوهش آن است که حوزه برای نقش‌آفرینی مؤثر، باید از نگاه فردمحور به نگاه نظام‌مند تغییر جهت دهد؛ یعنی فعالیت طلاب باید در شبکه‌ای هماهنگ، با محتوای استاندارد و بر اساس مأموریت‌های تعریف‌شده انجام گیرد. بنابراین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آموزش‌های فعلی حوزه نیازمند بازنگری عمیق است. حضور در فضای مجازی، تحولی معرفتی، مهارتی و ساختاری می‌طلبد و نمی‌توان آن را با رویکرد سنتی مدیریت کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که طلاب برای موفقیت در مناظره‌های دیجیتال باید کسب مهارت‌هایی چون تحلیل رسانه، طراحی روایت، گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای، تفکر انتقادی، اخلاق دیجیتال و کاربست فناوری‌های هوشمند را بیاموزند. بنابراین، نتیجه کلان پژوهش این است که تحول دیجیتال در حوزه، نه صرفاً یک پروژه، بلکه یک ضرورت تمدنی است؛ ضرورتی که بدون بازآرایی ساختارها، تربیت مهارت‌محور و مدیریت منسجم، به نتیجه نمی‌رسد.

پیشنهادهات

با توجه به نتایج پژوهش حاضر، به‌ویژه نقش تعیین‌کننده فناوری‌های نوین، مهارت‌های روان‌شناختی و سازوکارهای نظارتی در ارتقای کیفیت مناظره و پاسخ‌گویی دینی در فضای مجازی، مجموعه‌ای از پیشنهادات کاربردی برای مدیران حوزه، نهادهای تبلیغی و طلاب ارائه می‌شود. نخست، پیشنهاد می‌شود نظام آموزشی حوزه بازآرایی شود تا مهارت‌های رسانه‌ای، تحلیل گفتمان، مدیریت هیجان، اخلاق دیجیتال، داستان‌پردازی دینی و آشنایی با الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی به‌صورت واحدهای رسمی در برنامه درسی قرار گیرد. بسیاری از ناکامی‌های طلاب در مواجهه با فضای مجازی نه از فقدان دانش دینی، بلکه از ضعف مهارت‌های ارتباطی، بی‌تسلطی بر شیوه پاسخ‌گویی کوتاه و کارآمد، یا ناآشنایی با قواعد اقناع دیجیتال ناشی می‌شود؛ بنابراین، آموزش‌های مهارتی باید به بخش ثابت دوره‌های سطح و خارج تبدیل گردد. دوم، پیشنهاد می‌شود سامانه یکپارچه رصد و تحلیل شبهات دیجیتال ایجاد شود؛ سامانه‌ای که به‌صورت مستمر جریان‌های شبهه‌پراکنی، بازتولید مفاهیم، خطاهای معرفتی رایج و الگوهای جدید گفت‌وگو را رصد کند و خروجی‌های آن در اختیار مراکز پاسخ‌گویی قرار گیرد تا پاسخ‌ها به‌جای حالت واکنشی، مبتنی بر تحلیل داده و آینده‌پژوهی باشد.

سوم، پیشنهاد می‌شود نظام اعتبارسنجی طلاب در فضای مجازی به‌صورت رسمی و چندسطحی طراحی گردد. طلاب فعال در شبکه‌های اجتماعی باید بر اساس صلاحیت علمی، مهارتی، اخلاقی و عملکردی رتبه‌بندی شوند و تنها افرادی که حداقل استانداردهای لازم را کسب کرده‌اند اجازه فعالیت رسمی در حوزه مناظره دینی داشته باشند. این سازوکار ضمن افزایش کیفیت محتوا، سرمایه اجتماعی حوزه را نیز حفظ می‌کند. چهارم، لازم است دفتر تبلیغات اسلامی و سایر نهادهای تخصصی حوزه الگوی سیاست‌گذاری منسجم‌تری را اتخاذ کنند؛ به این معنا که استاندارد واحد پاسخ‌گویی دینی، منشور اخلاقی گفت‌وگو، شیوه‌نامه نقد منصفانه و دستورالعمل مدیریت تعارض در فضای مجازی تدوین شده و تمامی مراکز پاسخ‌گویی، مبلغان و طلاب ملزم به رعایت آن باشند. این استانداردها از چندصدایی غیرتخصصی جلوگیری می‌کند و حاکمیت معرفتی حوزه در فضای مجازی را تقویت می‌نماید.

پنجم، پیشنهاد می‌شود حوزه با همکاری مراکز فناوری، یک سامانه هوشمند پشتیبان پاسخ‌گو طراحی کند تا به‌عنوان ابزار کمکی به طلاب و پژوهشگران در جمع‌آوری منابع، بازبینی خطاهای احتمالی، پاسخ‌گویی اولیه به پرسش‌ها و تحلیل روند شبهات کمک کند. این سامانه جایگزین متخصصان دینی نیست اما ظرفیت‌های آنان را چند برابر می‌کند. ششم، ضروری است که فرهنگ سازمانی حوزه نسبت به فضای مجازی اصلاح شود. نگاه تهدیدمحور یا صرفاً ابزاری به فضای مجازی باید کنار گذاشته شود و رویکردی مبتنی بر فرصت‌آفرینی، تعامل فعال، حضور مسئولانه و تولید روایت دینی قوی جایگزین گردد. سرانجام، پیشنهاد

می‌شود حوزه مرکز تخصصی مناظره دیجیتال تأسیس کند؛ مرکزی که ضمن تربیت مناظره‌گران حرفه‌ای، دوره‌های فشرده، کارگاه‌های عملی و تمرین‌های ساختاریافته مناظره آنلاین را برگزار کرده و نقش اتاق فکر برای مدیریت چالش‌های معرفتی عصر شبکه را ایفا نماید.

منابع و مآخذ

مقالات

- عجمی، خیری، هاشم زهی، نوروز، ذوالقدر، رضانی. (۱۴۰۳). موانع پیاده سازی کرسی های آزاد اندیشی در دانشگاه ها. دین و ارتباطات (دانشگاه امام صادق/نامه صادق)، ۳۱(۱)، ۲۸۵-۳۱۲.
- صفائی، محقق داماد، سیدمصطفی، درویش زاده، احمدزاده، اردبیلی، ... علی اکبر. (۱۴۰۱). مسئله یابی حقوقی در ناآرامی های ۱۴۰۱ ایران. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۵(۱۶)، ۷-۶۵.
- علیمردی. (۱۳۹۵). حوزه های علمیه و فضای مجازی. ره آورد نور، ۵۶(۱۵)، ۲۰-۲۷.
- قاسمی ورجانی، طیه، ابراهیمی و دکترعلیرضا. (۱۳۹۸). توصیف و تحلیل وضعیت موجود آموزش دینی در فضای مجازی. مجله بین المللی چند رشته ای زندگی خالص، ۱۸(۶)، ۱۲۵-۱۵۳.
- حسینی پور و سیدابوالفضل. (۱۳۹۷). الگوسازی توسعه حوزه های علمیه با فضای مجازی به ابتدای سیره امام رضا علیه السلام در مناظرات تحمیلی مامون عباسی. مجله بین المللی چند رشته ای زندگی ناب، ۱۳(۵)، ۹۱-۱۰۰.
- حیدری دهکردی. (۱۳۹۹). فضای مجازی در تربیت دینی نسل جوان. مجله بین المللی چند رشته ای زندگی ناب، ۲۰(۶)، ۴۹-۷۷.
- هاشمی، محمدساجد، اسماعیل پور، عرب بافرانی. (۱۴۰۲). نگاشت موضوعی فرهنگی اجتماعی فضای مجازی. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۴(۱)، ۴۱-۶۳.
- نقدی پور، سبجان، اسلامی باباحیدری، فرزانه. (۱۴۰۲). بررسی و تحلیل اصول عام اخلاقی فضای مجازی از منظر اخلاق اسلامی. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اخلاق کاربردی، ۱۸(۱)، ۱۶۳-۱۹۶.
- شعاعی. (۱۴۰۰). بررسی رابطه سواد رسانه‌ای و کنشگری فعال دینی در عرصه مجازی (مطالعه موردی: طلاب علوم دینی). دین و ارتباطات (دانشگاه امام صادق/نامه صادق)، ۲۸(ویژه‌نامه اول؛ دین، رسانه و سواد رسانه‌ای)، ۲۴۸-۲۲۶.

- مینایی, حبیبی. (۱۴۰۱). حوزه علمیه و استفاده بهینه از فضای مجازی و هوش مصنوعی. ره آورد نور, ۷۸(۲۱), ۱۴-۲۱.
- ذبیحی, ه. (۱۳۹۷). ضرورت‌ها و بایسته‌های حوزویان برای تربیت نوجوانان از طریق فضای مجازی. دوفصلنامه علمی تخصصی اندیشه های قرآنی متفکران معاصر, ۵(۱۲۶), ۷۳-۱۰۰.

کتاب

- خدیوی گل‌کارزاده, ر. (۱۳۹۹). حوزه انقلابی و فضای مجازی با محوریت مطالبات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی). مشهد: حوزه علمیه خراسان رضوی.
- طباطبائی, س. ع. (۱۴۰۴). قواعد فقهی پالایش فضای مجازی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. قم: معاونت پژوهش حوزه علمیه قم و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- کفشدار طوسی, ا., و جهانگیری, م. (۱۴۰۱). فقه و فضای مجازی. مشهد: مرکز پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- محمدی فرید, م. (۱۴۰۱). منشور فضای مجازی. قم: حوزه علمیه قم.